



واژه‌ماه دَشْتان

همتراز: عادت ماهانه، menstruation
/Dashtan/

در جامعه جهانی کنونی و در رویارویی فرهنگ باشرم (محبوب) خاورزمین با گسترش فرهنگ بی‌پروای باختر (غربی). در زمینه‌ی مسائل جنسی واژگان بی‌پرده و آشکار انگلیسی روز به روز جای واژه‌های دیگر ملت‌ها را می‌گیرد. با این‌همه، این هرگز بدان چم (معنا) نیست که در زبان‌های خاوران‌زمین (شرقی) و به ویژه زبان ما برای اندام جنسی و رفتار جنسی که از نخستین‌های (بدیهیات) زندگی بشری شناخته می‌شوند واژگانی مشخص و دقیق آفریده نشده باشد.

نمونه این واژگان «دَشْتان» است. همتراز دقیقی است برای «عادت ماهانه»، «حیض»، «قاعدگی» و یا «پریود» که امروزه بیشتر جا افتاده. فرهنگستان زبان پارسی این واژه پارسی کهن (اوستایی) را بدون دگرگونی از «وَنَدیداد» کتاب پایانی اوستا که در بر دارنده‌ی احکام نوشته شده بدست موبدان در دوره ساسانی می‌شود برداشت کرده و جایگزین پارسی پسندیده‌ای برشمرده است. با این‌همه جافتادن این واژه در دوران کنونی دور از چشم‌داشت (انتظار) است، اما بد نیست تا با آن آشنا باشیم.

در زمینه ریشه این واژه و هنایش (تاثیر) آن در جامعه ایران زرتشتی پژوهش‌هایی شده که متأسفانه از گستردگی لازم بر خوردار نیستند و نداشتن نگاه ژرف و دانش کافی نسبت به کیش مزدایی (زرتشتی) اشتباهات فراوانی را در این آثار آفریده.

برآمده‌ها

بیدشتان | یائسه
دشتان ایست

بیدشتانی | یائسگی
دشتان ایستی

دشتان | قاعدگی
حیض